



## رانت زدایی از پرونده های میلیاری

- گام سوم شورا برای تحقق «شورای شیشه ای»
- شورای پنج به دنبال ساختار جدید شورایی ها
- از تذکرات «شیک» اعضا تا اندک تذکرات «موثر و مفید»
- سه چهره ی «موفق» جلسه هجدهم

هجدهمین جلسه ی شورا (مورخه ۹ آبان) از حیث «تخصیص بهینه زمان» تفاوت چندانی با جلسات قبلی نداشت، اما واجد یک برجستگی خاص و جدید حتی در میان چهار دوره قبلی شورای شهر تهران بود.

در این جلسه موضوعات زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت:

(الف) تذکرات اعضا: تذکراتی که در چهار چوب «اختیارات قانونی»، «ناظر به طرح مسئله و مشکلات در شهرداری»، «حل مساله ای از شهر»، «هدف قرار دادن مشکلات واقعی مردم» و «مبارزه با فساد و رانت» باشد، تذکر «موثر و مفید» ارزیابی می شود)

(ب) معیار گفته شده، تذکر آقای «نظری» (اعتراض به نصب برچسب های تبلیغاتی در درون اتوبوس های شرکت واحد و آقای «فراهانی» (درخواست استقرار خزانه کل در شهرداری) قابلیت ارزیابی نسبی داشت.

بررسی تذکرات اعضا از ابتدای شورای تاکنون نشان می دهد که بخش عمده ای از تذکرات را می توان «تذکرات شیک» و معدودی از آنها را نیز می توان «تذکرات موثر و مفید» ارزیابی نمود. در یادداشت مفصل و جداگانه به ریشه ها و دلایل طرح «تذکرات شیک» خواهم پرداخت.

(ب) نطق «پیش از دستور» فرصتی در اختیار اعضا برای طرح مسائل، مشکلات و چالش های مدیریت شهری است. در این جلسه نطقی توسط آقای «حبیب زاده» ارائه شد که محوریت آن موضوع تشکیل «شورای محله» بود. در چهار دوره ی قبلی شورا، ساختاری به نام «شورایی» شکل گرفته است و اکنون به دوره پنجم رسیده است. تاکنون شورای پنج به «راهبرد مشخصی» در خصوص «شورایی» نداشته است. اگر چه بعد از مدت ها کشف رانت ریاست ستاد شورایی تعیین شده است، اما نطق این عضو شورا که یکی از اعضای ستاد شورایی است، نشان داد که شورای شهر ساختار «شورایی» را با ساز و کار کنونی چندان قبول ندارد. (به زودی یادداشت مفصلی که حاصل چهار سال ارتباط نزدیک با شوراییان تهران بوده، خواهم نوشت).

چ. پرونده های «تخصیص باغ در جلسه علنی شورا»

شورای پنج تاکنون دو گام اساسی در جهت «شیشه ای شدن» - یعنی کردن همه جلسات شورا «و» - «اعلان عمومی اسامی موافق و مخالف در زمان رای گیری لایحه و طرح» برداشته است. اقدام جدید شورا در آوردن «پرونده های حوزه شهرسازی ویژه پرونده های تشخیصی باغات» فراتر از شفاف سازی حداکثری، نوعی حرکت به سمت رانت زدایی از پرونده ها می باشد. این حوزه محسوب می شود. برای تکمیل این فرایند از رزمنده، رسانه ها نقش مهمی دارند. رسانه ها باید ورود موثوری به این پرونده ها داشته و در عین شفاف سازی پرونده ها، موضع عمومی و نحوه ی رای دهنی تک اعضا را نیز رصد کنند.

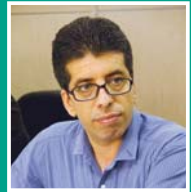
(د) اعضا با کارکرد «مفید و قابل قبول»

آقایان «سالاری»، «حبیب زاده» و «خاتم توری» (به دلیل موضع اصولی و محکم» در رایج پرونده پلاک ثبتی تشخیص باغ که در آن فساد و تخلفات عیدیه ای رخ داده بود) چهره های مؤثر این جلسه بودند.

سر دبیر هفته نامه «پدیده شهر» مطرح کرد:

# وقت «گرد حرف زدن» گذشته است

وقتی با حلوا حلوا دهان شیرین می شود  
تکرار عمل کنیم بدون راهکار عملیاتی  
آمارهایی که منبع نداشت  
حرف های تکراری کلاتری در شورا  
حرف های تکراری کلاتری در شورا  
شورای شیفته اقای شهردار  
باز تولید شورای دوم شهر تهران  
وقتی صدا و سیما از یک کانال تلگرامی کم می آورد  
وقتی صدای تحریر صدا و سیما نباشید  
نگران تحریر صدا و سیما نباشید  
پوزبسیون مدیریت شهری می شود  
وقتی تلویزیون از روابط عمومی شهرداری  
چالش تکراری حذف شهردار از صدا و سیما  
انتقاد شورایی ها به سخنان معاون رییس جمهور



«باید «گژد» حرف زد. یعنی نباید به گونه ای سخن گفت که همه خوششان بیاید. این جمله بخشی از تعریضات یک عضو شورا خطاب به «کلاتری» معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان محیط زیست بود که تلاش می کرد به گونه ای سخن بگوید که به کسی بر نخورد.

برای ارزیابی جلسه ی هفدهم شورا (مورخه ۷ آبان ماه) از همین تعبیر عضو شورا استفاده می کنم، یعنی تلاش می کنم که «گژد» سخن نگویم، اما از دوستان انتظار می رود که بعد از شنیدن سخنان «غیر گژد و منصفانه» در پیدا و بنهان و با لایه گری به گونه ی دیگری برخورد نکنند و هر نقد و نظری را به جریانات سیاسی رقیب منتسب نکرده و ما را «گرد» نکنند.

این جلسه دارای بخش های زیر بود:

الف: تذکرات اعضا: (تذکراتی که در چهار چوب «اختیارات قانونی»، «ناظر به طرح مسئله و مشکلاتی در شهرداری»، «حل مساله ای از شهر»، «هدف قرار دادن مشکلات واقعی مردم» و «مبارزه با فساد و رانت» باشد، می تواند ارزیابی مثبتی به ذهن متبادر سازد).

(ب) تذکر آقای «الویسی» در خصوص «کم کاری شهرداری و آموزش پرسورش در ارائه طرح مکانیابی مدارس شهر تهران بر اساس طرح جامع سال ۸۶» در چار چوب یک تذکر مفید و مرتبط قابل ارزیابی است.

(ج) تذکر خانم توری در خصوص «برخورد جناحی و سیاسی صدا و سیما در قبال نجفی شهردار تهران و انتقاد از عدم پوشش اجلاس کلان شهرها در مشهد مقدس و اجلاس شهرداران کلان شهرهای جهان در سنول (ایشان نیز در این سفر نجفی را همراهی کرد)» از دیگر تذکرات این جلسه بود.

ظاهر داستان انتقاد اعضا شورا به صدا و سیما و عملکرد جهت گیرانه صدا و سیما در مواجهه با مدیریت شهری جدید تهران در حال تبدیل به

شورا نباید در زمین آنها بازی کند. شورا باید همت، توجه، تمرکز و اولویت خود را حل مسائل اصلی تهران بگذارد. در صورت تحقق این امر آنها بازنده ای افکار عمومی نخواهند بود.

۲-۱-۲) برخلاف تصور مطرح شده در بند قبلی، برخی از کارشناسان حوزه رسانه بر این باورند که اخبار صدا و سیما دیگر بر مبنای رقیبیت و تخریب از سوی شورا و بخش های بزرگی از جامعه شهری تهران ندارد و افکار عمومی از سایر منابع خبری (شبکه های اجتماعی و...) تغذیه می شوند. به نحوی که در بسیاری از موضوعات این دستگاه عریض و طویل قادر به رقابت با یک کانال ساده تلگرامی نمی باشد. اگر این نوع نگاه به کارکرد رسانه را ملاک قرار دهیم، اساساً نقد و حتی تخریب صدا و سیما مایه نگرانی نمی تواند باشد و در نتیجه، شورا نباید در هر جلسه وقت شورا را به این مدل دول ها اختصاص دهد. در صورت باور به این مدل، تنها در یک حالت باید «نگران» بود. و آن هم زمانی است که نحوه ی موضع گیری صدا و سیما به عنوان «علاقمندی» (سیاسی و...) از سوی برخی جریانات ترجمه و تفسیر شود. در این حالت باید متناسب با آن تدبیر کرد.

۲-۲) اینکه یک عضو شورا یا کلیت شورا نسبت

به «نوع مواجهه صدا و سیما به شورا» معترض باشد قابل تراز آن است که یک عضو شورا در قامت مدافع شهردار ظاهر شود. گرچه اعتراض این عضو شورا به صدا و سیما وارد است، اما این نوع موضع گیری ریشه در «شیفتگی» برخی اعضا به گفتار درمائی های شهردار تهران دارد.

«شورای شیفته شهردار نمی تواند ناظر مقتدری بر شهردار باشد» و «چنانچه این شیفتگی به این شکل ادامه یابد شورای دوم شهر تهران (شیفتگی به احمدی نژاد در آن دوره) در حال باز تولید است. (در یادداشت مفصلی به خطرات و اثرات شکل گیری این بدیده در شورای پنج خواهم پرداخت).

ب: ارائه گزارش در خصوص وضعیت آلودگی هوای تهران توسط کلاتری، رئیس سازمان محیط زیست (پیش از یک ساعت و ربع از زمان جلسه) گزارش «کلاتری» را می توان اینگونه در سه بخش خلاصه کرد: «در گذشته اقدامات لازم در خصوص مسائل زیست محیطی انجام نشده است». «وضعیت کنونی شاخص های زیست محیطی در شرایط خوب و مطلوبی قرار دارد» و «زمان حرف گذشته باید عمل کرد». البته ایشان گفتند که «اقدامات عملی اشی چه خواهد بود». در یک قضاوت بی طرفانه از این بخش از جلسه ی شورا، به جزء ارائه دو آمار: «۳۰ درصد آلودگی هوای شهر تهران مربوط به کامیون هایی است که در شب وارد شهر تهران می شوند» و «یک نیر و گاه عامل ۲۰ درصد آلودگی هوای تهران است» بکنه جدید ارائه نشد و فقط بارها تکرار شد «عمل کنیم، بیایند عمل کنیم!!!»

د. اعضاء «مفید و با کارکرد قابل قبول» آقایان رسولی و علیخانی و خانم فخاری (به دلیل اینکه در خصوص سخنان کلاتری «گژد» حرف نزدند)

تخفیف ۵۰٪  
همین حالا سراسر شوید!  
eshterak.ir  
طرح اشتراک نشریات





## خفه شدیم از این بوی بد!

نوروز آبادی ها وقتی با خبر نگار ما روبرو می شوند و می خواهند در مورد مشکلاتشان بگویند، عجله دارند... تند تند حرف می زنند... به میان صحبت و حرف های یکدیگر می برند... نگران هستند که چیزی از قلم بیفتد... یا حق مطلب انطور که باید باشد، ادا نشود... هر کدام می خواهند صحبت های دیگری را تکمیل کنند... محله نشینانی که مشخص است با وجود تحمل مشکلات، هنوز باور و امید هایی دارند... از آنهایی خواهیم تا شمرده تر صحبت کنند اما گوششان بدهنگار نیست و صلاح می دانند تا به همین شیوه به تمام سختی هایشان اشاره نکنند... «خاتم خبر نگار خودتان عمیق نفس بکشید... دم و بازدم کنید... محله بوی پهن، گاو و نای می دهد... خفه شدیم از این بوی بد... مسئولانی که هر از چند گاهی برای بازدید می آیند خودشان هم نمی توانند اینجا دقیقه ای بمانند و فرار می کنند... و یادشان هم می رود که ما چه قدر مشکل داریم... باشگاه سوار کاری محله هم مشکلات دیگری دارد... این باشگاه برای آما بهتران و محلات دیگری ساخته شده، تفریح و خوش گذرانی هایش برای بالا شهری ها و بدبختی هایش برای مردم محله ما است... گاو داری هم که دیگر جای خود را دارد... هر کدام دست به دست هم دادند تا مردم را عاصی و عصیان کنند... در بست کنار خانه و زندگی مردم، گاو و گوسفندان هم زندگی می کنند... پرندۀ فروشی داریم... خرید و فروش همه مدل حیوان، پرندۀ و چرندۀ در محله انجام می شود... اصلا نوروز آباد مثل یک باغ وحش است... همه نوع حیوان خرید و فروش می شود... هر کس حیوان می خواهد حیوان دوست دارد، بعد است که به محله ما نیامده باشد... جمعه ها محله جای سوزن انداختن نیست... هم آشکار و هم پنهانی، پرندۀ و حیوان معامله می شود... محله پاتوق جوانانی می شود که تفریحات خوب دارند و از خانواده های مرفه نشین بالای شهر هستند... سگ و گربه هایشان را از محله می خرند و با ماشین های آخرین سیستمشان در محل و پیراز می دهند...»



محله «نوروز آباد» از قدیمی ترین محلات تهران، از ابتدا یک محله جدا و مستقل نبود... مردمان این محدوده از تهران که حدود ۴۰ سال است در اینجا زندگی می کنند نیز مجموعه ای از محله های «خلیج شمالی» و «نوبنی» بودند و با جدا شدن از این محلات گروه بزرگی مشکلاتشان کم تر شده اما در عین مالا همبندان درگیر سفتی ها و کاستی هایی هستند... محله نشینان این بخش از تهران مشکلاتی مشابه با سایر محلات منطقه داشته و امتیاز شفاف صری نسبت به بقیه ندارند... به همین دلیل خود را هم در همسایه های خود می بینند... «نوروز آباد» اصلا شبیه نامش نیست... بوی کهنگی و ویرانی می دهد... «منطقه ۸» تمام و کمال درگیر مشکل و معضل است؛ انگار پیشانی این اهالی امروزه را اینگونه نوشته اند که درگیر مشکلاتی آنهم تا اشد عمرشان باشند... قبلی از اهالی که در قید حیات نیستند، با سفتی و مشقت در محله زندگی کردند و همیشه آرزو داشتند که مشکلات مل شود... نگران میوه های بودند که در محلات مزبور زندگی می کنند؛ مالا تمام گرفتاری و مشغله های آنها سینه به سینه منتقل شده و به ما رسیده است... امیدوارم ما هم آرزو به دل نمانیم و حداقل امکانات مسلم و مورد نیاز محله مان تامین شود... دلم به مال پدر و مادرم که مرص و موش این همه کاستی را فورند، اعتراض کردند و به جایی نرسیدند می سوزد... آنها با قون و دل بیه هایشان را بزرگ کردند... البته توقع هندی هم نداشتند و کمترین انتظارات آنها هم نایده گرفته شد...»

## «موش» مهمان تازه وارد محله!

«بیت الله جمشیدلو» دبیر شورای محله «نوروز آباد»، در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» در ارتباط با مشکلات مربوط به همجواری بازار خرید و فروش حیوانات و پرندگان تاکید می کند: «مناصفانه در بست در دل بافت مسکونی ششپر و دندان و خیابان «ابوسعید غربی» یک گاو داری فعال است همچنین وجود یک باشگاه اسب سواری در جوار محله نیز مشکلات را دوچندان کرده است؛ ورود کامیون های سنگین به محله، بوی نامناسب، پشه و مگس از مشکلات بیشمار حاصل از این مراکز است؛ مرکز خرید و فروش پرندگان نیز به طریق دیگر معضل ساز شده است؛ ابتدا ساختمان شیگی در محله احداث و قرار شد که تنها به مرکز فروش پرندۀ تبدیل شود، اما با احداث این ساختمان، دست فروش ها همگی مدل حیوان مثل سگ، گربه، خرگوش و حیوانات وحشی دیگر را در اطراف رها کرده و به بهانه فروش نظم محله را به هم ریخته اند، هیچ کس هم برای برقراری آرامش به این محدوده اقدامی نکرده و با متخلفان برخوردی نمی شود؛ مسافران محله به دلیل وجود حیوانات مختلف از معضل موش و جانوران موذی روبرو است. وجود کارخانه های آلانده دیگر مثل کارخانه رب سازی و... در محله و ضایعات آنها مشکلات زیست محیطی بیشماری را ایجاد کرده است. محله نیز به سیستم آکو متصل نبوده و کار احداث شبکه فاضلاب بنا به دلایل نامعلوم نیمه کاره رها شده است.»

قضیه فقط به حیوان ختم نمی شود، اصلا حیوان پنهان است، همه نوع مواد مخدر در محله مبادله می شود، اینجا تالان نخواهد، خرید و فروش مواد زیاد است، جنس مواد فروش هم کامل است... پاسبان بر است از مواد گران و ارزان، مواد فروشان هم کافی است نگاهت کنند... لازم نیست لب ت کنی و بگویی دقیقا چه می خواهی، تا نگاهت کنند، جنستان را جوری می کنند گاهی سر مواد در پارکها دعوا و کتک کاری می شود...

# تا خاک بازی بچه های جنوب شهری! از اسب سواری «بچه پولدارها»



روایت «پدیده شهر» از زیرپوستی های محله ای در منطقه ۱۸

## زمین داریم، مدرسه نداریم!

### «نوروز آباد» خالی از رفاه!

با وجود آنکه مدت زمان زیادی از استقلال محله نمی گذرد، اما ساختمان های موجود رنگ و روی کهنگی و فرسودگی دارند. «اینجا خانه های بسیاری کلتگی هستند و خطر زیادی برای اهالی دارند... خانه ها با معایر بار یک و کم عرض در صورت وقوع بحران هم امکان دسترسی به آنها وجود نداشته و میزان کمک رسانی به مردم آسیب دیده بسیار دشوار و صفر خواهد بود... نه تنها برای نوسازی که یکی از مهمترین اقدامات پیشگیرانه بوده، حرکتی نشده است، بلکه برای بعد از بحران نیز تصمیمی گرفته نشده است... محله سوله بحران ندارد... در عین حال وقتی امداد رسانی به مصدومان و قربانیان با وجود هر گونه بلا برای طبیعی ممکن نیست، پس حتما به همین دلیل است که مسئولان ضرورتی نمی بینند که برای احداث سوله اقدام کنند... فرده یا زنده مردم چه اهمیتی می تواند داشته باشد!...»

وقتی گفته می شود که محله «نوروز آباد» امکانات حیاتی ندارد، در این مورد افراف نشده و به معنای واقعی کلمه، این محله تنها محله را با وجود به يدك كشيده است... محله ای که از در مانگاه و مطب دکتر بی بهره است به تبع از آن اولویتی ندارد که اهالی نسبت به آن دلاگرم شوند. نبود خانه سلامت در محله هم حجت را بر اهالی تمام کرده است... محله نشینان این بخش محروم تهران اعتقاد دارند که تمام محلات حداقل یک خانه سلامت و بهداشت دارد که همان دکتر عمومی مستقر در آن بسیار ضروری و واجب است چرا که هم قیمت ویزیت آن نسبت به مطب های خصوصی ارزانتر است و هم در زمان های مشخصی از روزه سلامت وضعیت رشد نوزادان را بررسی می کنند... اما همین خانه بهداشت هم در محله مانیست که حداقل های برای اهالی نگران فراهم سازد... «عبیدی» مدیر محله نوروز آباد با اشاره به اجرائی نشدن طرح سنجش عدالت محله در نوروز آباد می گوید: «طرح سنجش عدالت در محله ما اجرا نشد، اصلا محله خانه سلامت ندارد، نوروز آباد بدون هیچ امکانات و شاخصی نام محله به خود گرفته است. خانه سلامت، باشگاه ورزشی، مدرسه و امکانات رفاهی خاصی نداریم... یکی از اتاق ها را در محله تبدیل به یک باشگاه بدون امکانات کرده ایم و کلاس های برای ورزش جوانان برگزار کرده ایم، بسیاری از محلات امکانات رفاهی مناسبی دارند در حالیکه امکانات این محله زیر صفر هم نیست، وقتی محله جزء محدوده های محروم شناخته شده است پس نیازمند توجه و رسیدگی بیشتر بوده و نباید به حال خود رها شود.»

است، مناسبانه فضای آموزشی مناسبی به جز دبستان در محله وجود ندارد و دانش آموزان برای تحصیل در مقاطع راهنمایی یا دبیرستان باید به محلات خلیج بروند و یا در همان مقاطع ابتدایی ترک تحصیل کنند، چنانچه تا به امروز تعداد زیادی از خانواده ها قید تحصیل فرزندان خود را زده و به ترک آموزش رضی شده اند.»

واقعا ذیت می شوند... دبیر شوراباری محله «نوروز آباد» در ادامه با اعلام اینکه محله هرگز به مدرسه مجهز نشده است و تمام تلاش در این راستا بدون نتیجه مانده می گوید: «با وجود آنکه زمین مناسب و خالی در محله وجود دارد اما هنوز خیرین مدرسه ساز در این زمینه اعلام آمادگی نکرده و کار احداث مدرسه همچنان انجام نشده

که از محله های اطراف آمده اند... مدرسه ها هم با توجه به جمعیت بالا مشکلات ریز و درشت و خاص خود را دارند... فرسوده و عاری از هر گونه فضای آموزشی... نه کارگاه های علمی دارند، نه از مایشگاه... کلاس های خفه و پر از جمعیت... ۴۰-۵۰ نفر داخل یک اتاق به شدت سرد یا گرم... بچه ها و حتی معلمان که با این تعداد از دانش آموز سر و کله می زنند هم

اما واقعیت انصاف نیست بچه هایی که شوق تحصیل دارند از درس و مدرسه زده و نا امید شوند... زمستان ها کارمان سخت ترمی شود... مدرسه از نیاز های اصلی محله است... تمام بچه های برای درس خواندن به محله خلیج می روند... مدرسه ها هم دوشیفت هستند با اینکه دیگر مدرسه های ششگونی وجود ندارد... اما همچنان کلاس ها پر از دانش آموزانی است

جای خالی مدرسه در محله آنقدر زیاد است که شهروندان مهمترین معضل را نبود مدرسه و فضای کافی آموزشی مناسب بر آورد می کنند... «بچه ها برای رفتن به مدرسه اذیت می شوند... البته طوری با آنها برخورد کرده ایم، که به هر حال می دانند با وجود دور بودن مسیر مدرسه، باید به صورت جدی درس بخوانند و بهانه ای نداشته باشند

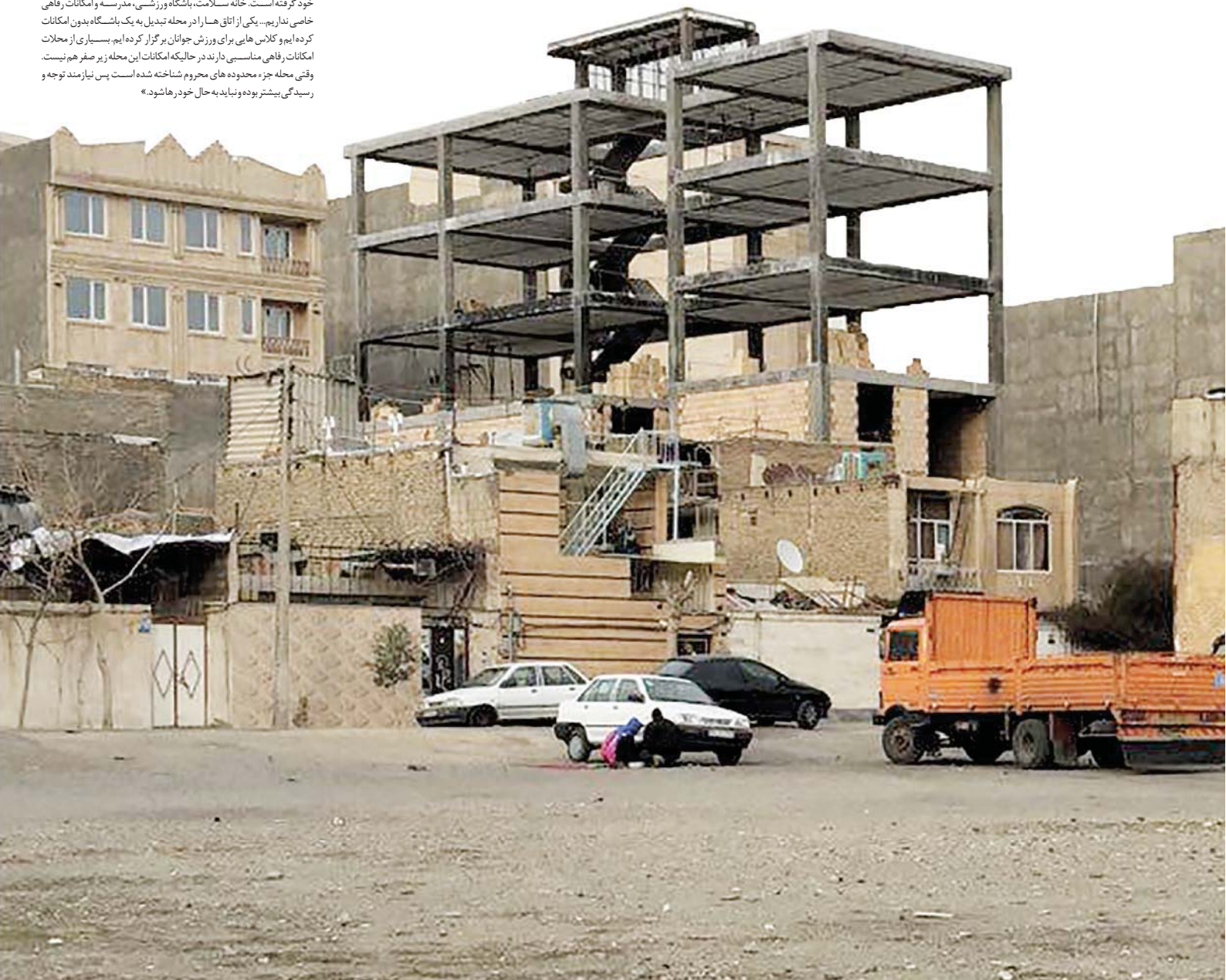
## «تیلو و کارت بازی» تنها دلخوشی کودکان!

بازی به آنجا بریم و یا اجازه بدهیم تنها همراه با دوستانشان به آنجا بروند... گرچه خودشان دایم اصرار و التماس می کنند که با دوستانشان برای بازی به آنجا بروند و هر بار هم که مخالفت ما را می بینند، داد و هوار راه انداخته و مقاومت می کنند اما واقعا کدام پدر و مادر می تواند به راحتی اجازه دهد که بچه اش به بوستانی برود که پسر از مواد فروش و بی خانمان است؟ اصلا مسئولان خودشان هم بدر هستند... مادر هستند... آیا اجازه می دهند که فرزندان خود را برای بازی در چنین محیطی برود و می توانند آنها را تنها راهی بوستان های پر از خطر چندان امنیت ندارد که با خیال راحت بچه ها را برای

تفریح اول و آخر بچه های دیگر این است که پشت حصار زده های باشگاه اسب سواری، ورزشکاران جوان و نوجوانی را می بینند که با خودشان همسن و سوار بر اسب می تازند یا می خورند... «پسر عاشق اسب و سوار کاری است... بارها به من و پدرش گفته که دلش می خواهد اسب سواری کند اما واقعا بعد از پرس و جو در مورد شهریه های کلاس ها، دیدیم که هزینه هایشان بسیار بالاست و در توانمان نیست... اگر قرار باشد پسر هم کلاس برود، بسیاری از هزینه های ضروری مان لنگ می ماند... اینجا فقط در توان افرادی است که هزینه های این کلاس ها در برابر خرج و مخارج

حسابی با دوستش را می دهد... تمام دارو ندارد این بچه ها یک توپ پلاستیکی، چند کارت بازی، تیلو، منج های پلاستیکی، ماشین های پلاستیکی و بدون ارزش است... تمام وقتشان را با همین یاد بگیرند و سر می کنند اوقات فراغتی که حداقل از کنش درس زندگی یا مهارتی یاد بگیرند وجود ندارد... اینجا تنها محل گذر بچه هایی که وضعیت اقتصادی خانواده هایشان در سطح پایینی قرار دارد نیست، باشگاه سوار کاری محل، فضایی برای تردد بچه ها و جوانانی است که یک سرو گردن از نظر اقتصادی در شرایط بهتری قرار دارند و به قول اهالی، «بچه پولدار» هستند... انوقت

اینجاچه ها وقتی از مدرسه برسی گردند هم فضایی برای بازی و تخلیه انرژی ندارند... بخشی از خانواده ها وضعیت اقتصادی چندان مناسب و بالایی ندارند... آنها که شرایط بهتری دارند به محلات دیگر می روند و کلاس های آموزشی یا سرگرمی مختلفی ثبت نام می کنند که البته تعداد این خانواده ها بسیار انگشت شمار است... البته بچه ها زمین های خاکی و خالی را هم از دست نمی دهند، آنها برای بازی در همین زمین ها هم خودشان را به آب و آتش می زنند تا بازی کنند، هر شب یکی از همین بچه ها با سرو و صورت خوبی آشفته به خانه بر می گردد و خبر از یک دعوی





## ساختمان سرای محله هیچ وقت «آباد» نشد!

اهالی محله از نبود یک سرای محله در محدوده سکونتشان ناراضی هستند و اعلام می کنند که تمام محلات یک سرای محله دار و انصاف نیستند که محدوده یافت آباد، از این امکان و فضا محروم باشد... «چشم امیدمان به اعضای شورای شهر تهران است... اگر قرار باشد که رویه و سیاست های شهردار سابق تهران دنبال شود، امیدوار هستیم که محله ما نیز به این سراها مجهز شده و مساعنی از اوقات فراغت بچه ها یا حتی بانوان محله با کلاس ها و فضای آموزشی مناسب پر شود. محله از نبود فضای آموزشی مناسب و مفید رنج می برد... بچه ها زمین و فضای مناسب برای ورزش ندارند... همه به نوعی در کوچه و خیابان سرگردان هستند و وقتشان به بطالت و بی هدفی سپری می شود. اما به هر حال بچه ها به آموزش نیاز دارند... محله هیچ فضای برای ورزش ندارد باید برای کم کردن ساعت اتلاف وقت جوانان و نوجوانان از کوچه و خیابان ها برنامه ریزی کرد... کوچه و خیابان، سنگ بازی، کارت بازی، چوب بازی و... می کنند و تا می توانند حرف های رکیک کوچه خیابانی یاد می گیرند و همه را در خانه به خواهر و برادر های خود یا در مدرسه به دوستان خود، حواله می دهند؛ خانواده ها هم با وجود تمام این مشکلات، دغدغه تربیت بچه ها را ندارند و از عهده سرگرم کردن بچه ها در خانه بر نمی آیند، خانه های کوچک، فرسوده، کلتگی و... هیچ امکانات و جذابیتی برای رسیدگی به بچه ها وجود ندارد به همین دلیل خانواده ها نیز هیچ مقاومتی از خود نشان نداده و به بچه ها اجازه می دهند که در کوچه پس کوچه های پر از معضل بازی کرده و سرگرم شوند...

سالهای دور قولی از سوی شهردار منطقه به مردم داده شده بود که یک زمین ۵ هزار متری به یک مرکز فرهنگی یا ساری محله تبدیل شود اما این زمین از سال ۸۶ گودبرداری شده و هنوز بدون تکلیف رها شده است این گودبرداری بدون حاشیه نبوده و مشکلات زیادی را برای اهالی ایجاد کرده است، در واقع نه تنها خیر و منفعتی از این زمین عاید مردم محله نشده، بلکه معضل ساز نیز بوده است. عبدالله عزیزی: عضو شورای ای این محله نیز با اشاره به کمبود فضای تفریح و ورزش برای جوانان و نوجوانان و رده های سنی پایین تر تاکید می کند: «نه تنها فضای کافی و مجزایی برای آموزش و تفریح در محله مان وجود ندارد بلکه از فضاهایی مثل مدرسه و مساجد نیز در این راستا استفاده نشده و مردم محله از نظر میزان آموزش در تنگنا قرار دارند. محله هیچ فضای برای ورزش و تفریح و تخلیه انرژی بچه ها وجود نداشته و در عین حال از آنها توقع دارند که در مسیر راست و درست حرکت کنند و خطایی هم نکنند، وقتی انرژی و نیاز بچه ها به بازی تامین نشود، می تواند بسیار مشکل ساز شده و خانواده ها را از رویای بیشماری دچار چالش کند.»



## از زورگیری در روز روشن

### تا متلک هایی که به ناموس مردم حواله می شود!

زشت و متلک با بچه ها می کنند... حتی توانسته اند در اغفال بعضی از دختران هم موفق شده و به اهداف شوم خود برسند... شخص من همراه با پدر و مادرهای دیگری که در این زمینه دغدغه و نگرانی داشته اند، در این زمینه اعتراضی به مدرسه داشته ایم که حداقل نیروی انتظامی تا زمان تردد بچه ها به مدرسه و زمان رفت و برگشتشان، مراقب امنیت آنها باشند؛ گویا مدرسه هم در این زمینه دغدغه هایی داشته و اقداماتی انجام داده است. ولی این معضل از جانب نیروی انتظامی جدی گرفته نشده است... با این حال مجبور هستیم از کار و زندگی مان بزنیم و بچه ها را همراهی کنیم، اما در کل تامین امنیت دانش آموزان بر عهده مدرسه یا نیروی انتظامی است؛ مشخص نیست که چرا نیروی انتظامی در این زمینه دغدغه ای ندارد...»

عزیزی، عضو شورایی این محله، در ارتباط با گله اهالی در خصوص نبود امنیت جانی و مالی در محله این موضوع را تایید کرده و ادامه می دهد: «تنها کیوسک کلاتری محله به بهانه فرسوده بودن آوری و به محله «شاد آباد» منتقل شده. اینجا منطقه آزادی برای فعالیت مواد فروشان است که به راحتی خرید و فروش معامله می کنند... انتهای محدوده «یافت آباد» میدن دارد... معاندان و اراذل آزاده می چرخند و جولان می دهند. از نیروی انتظامی هم بارها تقاضای تامین امنیت و استقرار نیرو داشته ایم اما تا به امروز نسبت به تقاضای شوراییان اهمیت چندانی نداده اند و حتی اعلام کرده اند که شهرداری کیوسک جلمایی کند تا نیرو سال کنیم و شهرداری نیز می گوید که جلمایی و تهیه کیوسک از وظایف تعریف شده مدیریت شهری نبوده و یا همین زوال امنیت شهروندان دستخوش پاسکاری شده است؛ در محله از «میدان الغدیر» به این طرف به حضور مامور راهنمایی و رانندگی نیاز مند است در حالیکه دروغ از یک نیرو که مشکلات مربوط به گرگه ترافیکی را برطرف کنند... بانک مردم از «میدان الغدیر» تا «یافت آباد» حدود نیم ساعت یا بیشتر در ترافیک معطل می شوند اما راهور منطقه برای اعمال قانون یا جریمه افرادی که به این ترافیک دامن می زنند، ماشین ها را دوبله سوبله پارک می کنند و مشکلات دیگری پدید می آورند، اقدامی انجام نمی دهد.»

خفت گیری، زورگیری، کیف زنی و ده ها آسیب اجتماعی آشکار و پنهان دیگر شب و روز در این محله پر از معضل اتفاق می افتد، در روز روشن چنان کیف زنی یا خفت گیری می شود که اصلا پیش بینی یا قابل تصور نیست... «چند شب پیش یکی از معاندان از رسوم که شیفت شب بود، زورگیری کرد، موبایل، تبلت و کیف پولش را خالی کرده و قمه زیر گلویش گذاشتند، سرم تا سرم شب شو که بود و غذای تو است بخورد، هر چه قدر هم در کلاتری دوندگی و اعلام شکایت و پیگیری کردیم تا به امروز جوابی نداده است، شماره سریال موبایل را هم گرفتند تا بتوانند ردی از سارقان به دست بیاورند اما دیگر وقتی مالی را بردند پیگیری و جستجوی آن فقط مالیات خسته را چشم انتظار نگه می دارد و فایده دیگری نخواهد داشت... در روز روشن دست مواد فروشان، انواع و اقسام مواد مخدر را می بینیم... اصلا از هیچ چیز و هیچ کسی هم نمی ترسند، خیلی راحت مثل قرص یا نقل و نبات میادله یا خرید و فروش می کنند...»

قبلا احتیاط تا ترسی در کارشان داشتند اما حالا هیچ خط قرمزی برای خودشان و اهالی قائل نیستند و حرمت زندگی و خانواده مردم را نگاه نمی دارند، آنها حتی از زندان رفتن و پلیس و قانون هم نمی ترسند و مملکت را بدون قانون فرض کردند! نبود امنیت و حس آرامش در محله از معضلاتی است که خانواده ها به آن اشاره مستقیم دارند؛ اینکه محل سکونت خانواده ها به صورت مستقیم تحت تاثیر بسیاری از معضلات اجتماعی قرار گرفته است، یکی از اصلی ترین نگرانی های ساکنان این محله از تهران است... پدر یکی از دختران مدرسه ای که دست دخترش را در دستانش گرفته، به وضعیت نامناسب مدرسه اشاره می کند و ادامه می دهد: «تمام خانواده ها نگران رفت و آمد بچه ها به مدرسه هستند؛ بسیاری از اراذل و اوباش، موتور سواران و افراد بیکاری که جز ایجاد نگرانی برای خانواده ها منفعت دیگری ندارند، همزمان با مساعت تعطیلی مدرسه، اینجا در کوچه پس کوچه ها و یا در دست در ورودی مدرسه کمین می کنند و ناموس و بچه های مردم را از می دهند... حرفهای



# برای دزدی و خفت گیری! منطقه ای آزاد

حاشیه نگاری «پدیده شهر» از مشکلات محله «یافت آباد جنوبی»





## اقدام نمادین در برابر معتادان!

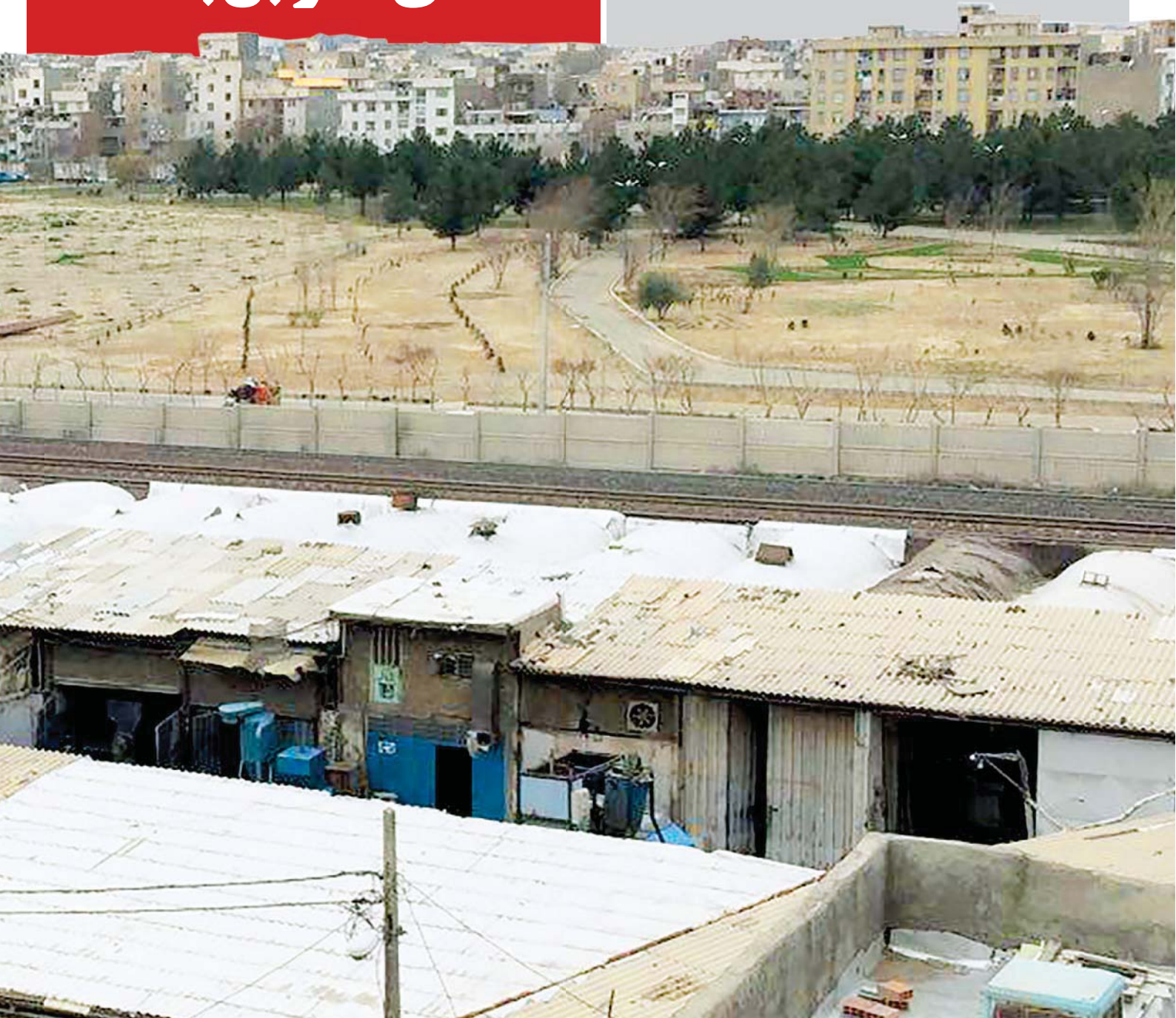
حالا که ساکنان رغبتی برای زندگی در محله ندارند و خانه هایشان را به کارگاه ها اجاره داده اند، معطلی دیگر با این اقدام برای محله به ارمغان آورده اند... بخش هایی از محله به بهترین مکان برای معتادان تبدیل شده است که از امنیت محله به نفع خود استفاده کرده و به راحتی زندگی می کنند... شب ها کنار خانه ها و دیوار های مخروبه که خالی از سکنه هستند، آتش روشن کرده و مشغول می شوند... تیمی هم زندگی می کنند، یکدفعه ۱۰ تا ۱۵ نفر کنار هم مواد می کشند و خمار می کنند... به همدیگر کمک می کنند تا تزیق کنند... رگ دست یا پشت پای دوستان خود را به یک کش یا بند محکم، پیدا می کنند و با سوزن های مشترک و آلوده، کار تزیق را شروع می کنند... «بارها با ۱۲۷ تماس گرفتیم و آنها ما را به نیروی انتظامی ارجاع دادند... با نیروی انتظامی هم که تماس گرفتیم بعد از چند بار تماس و پیگیری و اینکه مطمئن شدند مشکل جدی است، اذیر کشان وارد محله شدند و بعد از آن تک تک معتادان هم به راحتی و کار کشته از نرده ها بالا رفته و فرار می کنند... در واقع نیروی انتظامی تنها در متفرق کردن معتادان وارد عملیات می شود و اقدام دیگری انجام نمی دهد... به همین دلیل اهالی فقط زمامتیکه صدای دعوا، کتک کاری و عربده کشی معتادان را می شنوند، با پلیس تماس می گیرند در غیر اینصورت حتی دیگر اعتراض در این زمینه هم بی فایده بوده است...»

«فتح علی نور محمدی»، عضو شورای ایاری محله «صادقیه» در ارتباط با مشکل امنیت محله به خبرنگار «پدیده شهر» اعلام می کند: «موضوع امنیت محله به صورت جدی پیگیری و مطرح شده و مقرر شده یک کانکس نیروی انتظامی در ورودی محله چانمایی شود که خدا رو شکر این اقدام در دست انجام است! اما معضل معتادان خیابانی و مشکلاتی که این افراد برای محله ایجاد می کنند، نیازمند اقدام جدی تر و فرامحله ای است... مشکل دیگر محله ما کمبود فضای سبز است. در حالیکه سرانه فضای سبز برای هر نفر ۱۴ سانتی متر است اما ما فقط یک بوستان ۱۵۰۰ متری داریم... خانواده ها وقتی می خواهند از فضای سبز و پارکها استفاده کنند باید هفت خوان رستم را در کنند و از دست دزدان زیر گذر معروف جان سالم به در ببرند تا دقایقی تفریح کنند...»

«پدیده شهر» از مشکلات محله «صادقیه» واقع در منطقه ۱۸ گزارش می دهد:

## محله ای «در بن بست»!

وقتی وارد محله پر جمعیت صادقیه می شویم، اولین موضوعی که توجه مان را به خود جلب می کند، بوی چوب و رنگ است... بوی تند رنگ و چوب تمام کوچه پس کوچه ها را بدون استثنا پر کرده است... سبزه صوای بالا و گوش فراش از فانه های که در های ورودی رنگ و رو رفته شان باز است، غیر از مود کارگاه های زیر زمین نیازی یا رنگ کاری می دهد... فانه ها دو تا در میان کارگاه هستند... به سفتی می توان نام فانه را روی این املاک گذاشت... زمین های مغربوبه... در دیوار های کثیف، فانه های «۳ یا ۴ متری مملو از فرود چوب، رنگ، ابزار، زباله و... شده مالکان این زمین ها به دلیل نداشتن سرمایه کافی برای نوسازی و پایین بودن قیمت ملک، فرار را بر قرار برتر دانسته و فانه های خود را به حامیان کارگاه ها کرایه داده و در مملات بهتری از تهران ساکن شده اند... تعداد زیادی از انباری و زیر زمین های فانه ها به کارگاه های باریک و غیر استاندارد تبدیل شده و صاحب فانه ها ترویج می دهند که با اجاره انبارهای کوچک خود، آب باریکه ای برای گذران زندگی به دست آورند... کارگر های افغانی روز و شب در این کارگاه های کوچک زیر زمینی کار می کنند... بیشتر شب ها هم در همین کارگاه ها می خوابند و زندگی می کنند... صداهای نا به هنگام و مزاحم دستگاه ها، آه های برقی، بوی رنگ و چوب، اسپری های مختلف، همگی آفتی شده برای ساکنان محله ای که چوب همجواری این کارگاه را تحمل می کنند... اما کارگاه ها از نزدیک بودن یا بازار میل استفاده می برند، سفارشات و کارهای این بازار را قبول می کنند... «نزدیکی بازار میل» باعث شده تا تمام کارگاه ها و انبارهای این بازار در محله «صادقیه» و در قلب سکونت مردم شکل بگیرد... اصلا تمام بافت مسکونی محله صنعتی شده و اهالی در حال فرار هستند و تمایلی هم به نوسازی منازل خود و برگشت به محله قدیمی خود ندارند! وقتی صاحبان مرفه و مغازه در یافت آباد فانه ها را با اشتیاق فراوان کرایه کرده و می توانند به راحتی از پرداختن مالیات شانه خالی کنند و هزینه اجاره را ماه به ماه تمام و کمال پرداخت می کنند، دیگر ماندن در محله سود پندانی برایشان ندارد... تمام محله را کارگاه های تولیدی میل و آهن اشغال کرده و سبزه صوای بسیار زیاد است... کارگاه های نیازی و تراشکاری هر کدام مطابق با نوع فعالیت خود سبزه صوای و آزار و اذیت دارند... اگر قرار است تمام محله کارگاه باشد، تکلیف ساکنان چه می شود؟ ما مریض داریم، بچه داریم، سالمند داریم، آنها آرامش و آسایش می خواهند...!





## بلوکه شدن زمین ها

### در محله ای فرسوده!

## وعده پوچ انتقال

### خط آهن تهران - اهواز!

## دور «شمسی - قمری»

### خودروها برای ورود به محله!

«مرتضی ابراهیمی» عضو شورای ایاری محله «صادقیه» سوله ای که در این محله به نام سوله مدیریت بحران تعبیه شده است با وجود هزینه های فراوان برای راه اندازی آن، به صورت پلانت کلیف در منطقه محله افتاده و فقط در حال خوردن است که اگر از آن استفاده بهینه شود می تواند به برگزاری کلاس های مقیدی در محله اقدام شود اما همچنان بدون استفاده رها شده است. موضوع بعدی این است که در چند سال گذشته، سوله ای را به عنوان سالن ورزشی در محله افتتاح شد که متأسفانه بعد از چند سال، حکم تخلیه آن صادر شد و الان سوله محل و جایگاه امنی برای معاندان و سارقان شده است صاحب این زمین یکی از ساکنان منطقه یک تهران است که تکلیف این سوله را مشخص نمی کند؛ مشکل دیگر محله، نبود مدرسه در مقاطع دبیرستان و راهنمایی است؛ دختر و پسر ها برای ادامه تحصیل در دوره راهنمایی و دبیرستان به محلات دیگری بروند که این موضوع مشکلات حاشیه ای زیادی برای خانواده ها ایجاد کرده است. یکی دیگر از ضعف های محله «صادقیه»، کمبود سرانه و سهم فضای سبز است که این معضل در برابر محله ای که با کارگاه های صنعتی احاطه شده است، بسیار خودنمایی کرده و نیازمند رسیدگی جدی است!

«فتح علی نور محمدی»، عضو شورای ایاری محله «صادقیه»، در ادامه نسبت به جزیره ای شدن محله انتقاد و ابراز نگرانی کرده و ادامه می دهد: با راه اندازی خط آهن تهران - شهر جدید پرند، از تفریح تنها زیر گذر محله که از «شهرک ولیعصر» به «محله صادقیه» متصل است، کم شده و امکان تردد خودروها بسیار دشوار خواهد شد؛ از سوی دیگر همجواری محله با بزرگراه «آیت الله سعیدی»، بازار آهن «نعمت آباد» و عبور خطوط متعدد راه آهن باعث شده تا محله به یک جزیره متروک و خالی از امکانات تبدیل شود! اگر خدای ناکرده، محله دچار بحران و حادثه ای شود، خودروهای امداد رسان، آتش نشانی یا آمبولانس امکان ورود به محله را نداشته و نمی توانند از سمت شهرک ولیعصر که پایگاه امدادی مناطق تهران است به این سمت بیایند و حتما باید جاده ساوه را دور بزنند تا برای امدادسانی به محله صادقیه برسد؛ صادقیه برای ورود و خروج با مشکلات اساسی روبه روبرو بوده و تنها باید جاده ساوه را دور زد تا به محله دسترسی داشت.»

«صادقیه» مابین دو بزرگراه مربوط به خط راه آهن و بازار آهن غیر افتاده که تنها دو ورودی کم عرض، راه دسترسی ساکنان محله به خارج از محله محسوب می شود؛ در واقع محله در بن بست قرار گرفته و زمین های رها شده بسیاری در این محله به چشم می خورد که جدای از امنیت کوچه پس کوچه های پر از کارگاه، زمین های بایر و مخروبه نیز به بهترین فضا برای معاندان تبدیل شده است... زمستان کم که دیگر منطقه ای تمام و کمال برای کارتن خواب هایی می شود که خانه و جای خوب ندارند... «نور محمدی»، عضو شورای ایاری محله، با اشاره به عبور برخی از خطوط راه آهن از محله و مشکلات حاشیه ای آن به خبرنگار «پدیده شهر» تاکید می کند: «محدوده عبور خط راه آهن تهران - تبریز در محله شادآباد زیر گذر شده و زمانی که زیر گذر در حال احداث بود، قول داده شد که خط راه آهن تهران - اهواز هم به این زیر گذر منتقل شود تا شهروندان از مشکلات و سرسردی زیاد عبور و مرور قطارها خلاص شوند اما با تکمیل این زیر گذر، خط فوق هنوز منتقل نشده، و تردد زیاد قطار و معضلات دیگر، محله را با چالش های زیادی روبه رو کرده است. در عین حال به تازگی خط تهران - شهر جدید پرند نیز در حال احداث است که زیر سازی های نیز انجام شده است؛ شهروندان نیز با توجه به کمبودهای فضای سبز در محله به صورت خود جوش، اقدام به کاشت درخت در محدوده حریم راه آهن کردند و حدود ۵۰۰ اصله درخت کاشته اند که راه آهن، تصمیم به تخریب این بخش از فضای سبز داشته و با اعلام اینکه این محدوده حریم راه آهن بوده و وجود درخت و فضای سبز امکان فعالیت نمی دهد و قصد نابودی این درخت های ۲۰ ساله نمودند را دارند... شهر دار منطقه نیز با وجود پیگیری های شورای ایاران و اعتراض مردم در این زمینه همکاری نکرده و اعلام می کنند که حریم مربوط به راه آهن است و کاری از دستشان ساخته نیست... در حالیکه این فضای سبز بسیار ضروری بوده و مردم نسبت به تخریب این درخت ها مقاومت زیادی دارند که امیدوار و پیگیر هستیم که با رسانه ای شدن موضوع و واکنش دوستانداران محیط زیست، از نابودی درخت ها جلوگیری شود.»



## رسم فراموش شده خدمت به مردم!

با همسایه ها که صحبت میکنیم، میگویند به مناطق بالاتر تهران رفته اند و هر کدام مشکلات شایهی دارند، اما انگار منطقه ۱۸ مشکلات "حل نشده و فراموش شده" زیادی دارد... «چه فرقی دارد... بدبختی های ما هم از مناطق دیگر کمتر نیست... صدایمان هم که به جای نمی رسد... هر وقت زمان انتخابات، و رای دادن در انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر تهران، خودشان با پای خودشان به محله سسر می زنند و قول و قرارهای نجومی می دهند، اما وقتی زمان وعده به عمل می شود، هیچ کدام از مسئولان حافظه شان هم یاری نمی کند که فلان روز، در فلان پارک، بوستان، فرهنگسرا، مسجد، سرای محله، باشگاه و... فلان وعده و قرار داده اند... خیلی زود مردم را کنار می گذارند... از آنرا چیزی هم باقی نماند... فراموشی کار می شود! این رسم خدمت به مردم نیست! حداقل وعده بی عمل به عده ای چشم انتظار ندهیم... چه قدر مردون که به همین وعده های پوچ پوچ شدند و هرگز به هیچیک از خواسته هایشان هم نرسیدند...»

اهالی محل به مشکل نبود یک بازار میوه و تره بار که بتوانند خریدهای ضروری و مورد نیازشان را انجام دهند اشاره می کنند و می گویند: مغازه های میوه فروشی هیچ ثبات قیمتی ندارند، کیفیت میوه و سبزی های هم خوب نیست و نظارتی بر روی قیمت ها نشان نمی شود؛ حداقل اگر کیفیت خوب باشد، حاضر هستیم پول بیشتری بدهیم... اما اگر یک بازار میوه و تره بار در محله باشد، کار مردم راحت تر می شود... بیشتر میادین میوه و تره بار مناطق دیگر از شیر مرغ تا جان آدمیزاد برای فروش دارند... این کار باعث می شود که از سفرهای تکراری و غیر ضروری هم کمتر شده و از یک مرکز تمام وسایل مورد نیاز را تهیه کنیم...»

تقاضای ساخت و راه اندازی بازار میوه و تره بار در حالی مطرح می شود که این موضوع را چندان مهم و ضروری هم ندانسته و اعتقاد دارند که محله به امکانات ضروری تری نیاز دارد... «محسن نفی زاده» دبیر شورایاری محله «سعید آباد» در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» با اشاره به بحث میادین میوه و تره بار و کاستی محله، از این نظر تاکید می کند: متأسفانه طرح فعالیت میادین میوه و تره بار در کل شهر تهران شکست خورده است و تنها تعداد محدودی از این میادین که تحت نظارت مستقیم شهرداری دارند، موفق بوده اند... بقیه این مراکز که با نظارت پیمانکاران کار می کنند، فعالیت قابل قبولی نداشته اند... اگر قرار است مردم جویای کار از شهرهای مثل لرستان یا کردستان برای کار در این میادین به تهران آمده و مشاغل آماده را انجام دهند، جدا از آنکه به مغفل بیکاری اهالی محل و حتی تهرانی ها دامن زده می شود، بلکه مشکل مهاجرت نیز از مسایل قابل توجه دیگری است که در حال حاضر مشکلات حاشیه ای زیادی را ایجاد کرده است.

محله «سعید آباد» را که به صورت اعمالی برانداز می کنیم، چیزی مزیک مدموده مرموم و پزاکاستی نمی بینیم... «سعید آبادی ها» فودشان می گویند که مزیزه نشین هستند، اما وقت ممله ای از اینکلیترین زمین امکانات و ملازومات شهرنشینی مرموم بوده، روز و شب اهالی مثل هم باشد و تمام طول زندگی شان در این محل، پیشم به راه معشق شدن وعده های مسئولان بگذرد، می توان به مزارت گفت که مردم این محل نه تنها مزیزه نشین هستند، بلکه فقط اسم پایتخت نشین را با فود به یک می کشند و امکانات این ممله با شهرک کمتر از یک ده روستا است... ممله نشینان «سعید آبادی» فودشان به صداقت می گویند که بزانشان مو در آورده آقدر که در مورد مشکلات و معضلات ممله با مسئولان، شوراییاران و متی نمایندگان مجلس صمیمت کرده یا اعتراض کرده اند... «فسته مان کردند... فدای نا کرده در منطقه ۱۸ زندگی می کنیم... اینما که نه فدا تهران هم نیست، این همه مشکلات ریزو درشت دارد و پای به مال مناطق ۳۰ به بعد شهرداری... متما آنها به روز زندگی می کنند و ما باید فدایمان را هم شاکر باشیم...»



## شهر را در جدید وعده بدون عمل ندهد!

«سعید آبادی ها» گلک منداز محقق نشینان وعده های شهردار سابق تهران:



## خندق ها را پر کنید، ثواب داردا!

خیابان شهید «بروجردی» و مشکلات خندق های پر از گرد و خاک آن یکی از بیشترین ناراضی های اهالی این محله است... این مشکل در یکی از شماره های هفته نامه «پدیده شهر» نیز انعکاس داشته و مردم امیدوار بودند تا خندق ها پر و اصلاح شوند، اما مشکلات اهالی از این منظر همچنان ادامه دارد است؛ آنها از شهردار سابق تهران در این زمینه انتقاد دارند و دلشان می خواهد تا شهردار سابق بدانند که با عملی نکردن وعده خود در این خیابان، از ثواب و دعای خیر محروم مانده است...  
دبیر شورایاری محله «سعید آباد» در ادامه به این مشکل قدیمی در خیابان شهید «بروجردی» اشاره کرده و ادامه می دهد: «انتهای اتوبان شهید بروجردی را خندق کننده، رها کرده اند و یک اتوبان ۱۲ کیلومتری به عرض ۷۶ متر، عمق ۱۰ متر و در برخی از این محدوده به عمق ۸ متر ایجاد و با این بهانه که بودجه کافی برای اتمام کار ندارند، این خیابان را رها کرده اند... در طول دوره ای که در شورایاری خدمت کردم، با اعضای شورای شهر، شهردار تهران، شهردار منطقه و تمام مسئولانی که می توانستند اقدامی برای رفع مشکل کنند، مذاکره کرده ام... آقای قالیباف سال گذشته قول داده بودند که مشکل این خیابان تا اواسط اسفند برطرف شود و ما امیدوار بودیم که ایشان تا قبل از انتخاب شهردار جدید، این موضوع را به سرانجام برسانند اما باید به آقای قالیباف که دیگر شهردار تهران نیستند بگوییم که راضی بودند زن و بچه خودشان مشکلات این خیابان که بدون تکلیف رها کرده اند را به دوش بکشند؟ زمستان هم که نزدیک است... چند هفته دیگر خاک تمام دیواره های خندق ها توسط معاندان به اندازه یک متر کنده می شوند و در دیوار اینجا محل زندگی کارکن خواب خواهد شد...»





## نوسازی خانه‌های

# فرسوده به چه قیمت؟



## بودجه برای

# پایین شهری هاندارند؟

وی می افزاید: «انصاف نیست مردم بابت این خیابان متحمل سختی شوند و امنیت جانی شان هم به خطر بیافتد؛ مسئولان وقتی صحبت از این خیابان (شهید پروجندی) یا مشکلات دیگری می شود، اعلام می کنند که بودجه کافی ندارند، اما اگر مشکل مالی وجود دارد، چطور در خیابان «اسفند یار» واقع در محله «جردن» یک ماهه زیر گذر می زنند، آسفالت می کنند و آترا به بهره برداری می رسانند؟ یعنی برای محلات بالا شهر نشین بودجه و امکانات مالی وجود دارد و برای محلات پایین، بودجه تمام شده است؟»

«فقی زاده» دبیر شورایاری این محله یاد آور می شود: «برای اولین بار سسری به دهه و شهرستان بدرم در ۱۸۰ کیلومتری نوسیده به تبریز زدم... این ده داخل کوه ها و بسیار آباد بود، تمام کوجه پس کوجه ها آسفالت شده و تمیز بود، به تمام امکانات مثل گاز، آب، برق و... مجهز بود، آنوقت محله مادر مرکز تهران از کمترین امکانات رفاهی محروم است... در حالیکه اگر محله «سعید آباد» به «یادگار» و به تبع از آن به جاده «ساوه» متصل شود، می تواند ۵۰ درصد از حجم ترافیک میدان آزادی، جیحون، آذری و حتی میدان فتح را کاهش دهد.»

نبود سرانه های متعدد برای رفاه حال اهالی محله «سعید آباد» آنقدر زیاد است که مردم، محله را مثل یک خوابگاه بر آورد کرده اند... «محله فقط برای کارمندان و شاغلان مناسب است که شب ها بیابند بخوابند و صبح دوباره سر کار بروند؛ دیگر هیچ امکاناتی برای بچه آسمان را هم ندیده اند؛ بانک، کتابخانه، داروخانه شبانه روزی، در مانگا، فضای ورزشی و... همگی دست به دست هم داده اند تا ما را عاصی کنند، دیگر هیچ امکاناتی برای دلخوشی جوانان و کودکان در محله وجود ندارد. محله ای که از این همه تمهیدات محروم باشد نامش محله نیست؛ اصلا حیفا از نام محله که روی اینجا گذاشته اند، یعنی تعریف روشن و استانداردی از یک محله در پایتخت وجود ندارد که به راحتی به اینجا محله گفته می شود. صدر حمت به یک دهه که حداقل با داشتن یک کد خدا یا دهن دار امکانات زیادی دارد... اینجا شهر دار منطقه، شهر دار تهران، اعضای شورای شهر، نمایندگان مجلس و... هیچ کدام که تا به امروز کار مفید و پر خیر و برکتی انجام نداده اند... از حالا به بعد هم اتفاقی نخواهد افتاد؛ یعنی دیگر توقع چندانی هم نداریم!

محله «سعید آباد» با داشتن ساختمان های قدیمی و فرسوده چهره و ظاهر کل محله را زیر سوال برده است... تا چشم می چرخد، ساختمان هایی دیده می شود که نیاز به مقاوم سازی و حتی نوسازی دارند... اما شهرداری هر چه قدر تسهیلات تشویقی برای نوسازی بافت های فرسوده را به داده و در این زمینه اصرار می کند، مردم به خاطر عدم اطمینان به طرح ها، فقر مالی و شرایط سخت اقتصادی، انکار بیشتری در این زمینه از خود نشان می دهند... «وقتی محله ای هیچ گونه امکاناتی ندارد، چرا باید خانه هایمان را نوسازی کنیم؟ اصلا نوسازی به چه کارمان می آید؟ بازسازی کنیم که آخرش چه بشود؟ وقتی کل محله با نداشتن بسیاری از امکانات ضروری مردم را ناراضی کرده است، خوب نوسازی بافت ها هم چندان کار گشا نیست... اصلا مگر شهرداری تا چه اندازه برای حقوق مسلم اهالی این محله اقدام کرده که حالا برای نوسازی اصرار دارد؟ می خواهند آمار تلفات زمین لرزه احتمالی تهران را کاهش دهند؟ واقعا جان مردم برای مسئولان شهری یا دولتی اهمیت دارد؟ اگر جان مردم ذره ای ارزش داشت، این همه سال فکری برای کارخانه آسفالت محدود مان می شد که به خاطر آلودگی، درد و مرض به جانمان نیافتند... نوسازی بافت های فرسوده محل و خانه ها پیشکشمان، مشکلات پیچیده تری داریم... مردم مشکلات مالی دارند و غم نان دارند... دیگر زرق و برق برایشان اهمیتی ندارد... اصلا چه خیال جمعیتی خانه هایمان را در اختیار شهرداری قرار دهیم تا نوسازی شوند؟ انقدر حرف و حدیث های مسئولان بالا پایین شده است که دیگر حتی به چشم ها یمان هم نمی توانیم اعتماد کنیم...» «فقی زاده»، دبیر شورایاری محله «سعید آباد» در ارتباط با مشکلات حاصل از فعالیت کارخانه آسفالت در محله و آسیب های آن به خبرنگار ما می گوید: یک فاز از این کارخانه تعطیل شده و دو فاز دیگر آن همچنان فعال است، شهرداری تهران با اینکه ادعا و شعار زمین پاک یا آسمان آبی را مطرح می کند اما مرکز تهران، آنهم در دل خانه های مردم، کارخانه آسفالت سازی فعال بوده و وضعیت سلامت و ریه های مردم را تحت تاثیر قرار داده است. هر کدام از مسئولان در این ارتباط نقطه نظرانی دارند و وعده هایی داده اند که تا به امروز هیچ کدام محقق نشده است... در حالیکه اهالی از این ناحیه آسیب دیده و مشکلات زیادی را متحمل شده اند.»



# محله در تاریکی!

«سرمدی» یکی از اهالی محله که از وجود کاستی های فراوان در محله انتقاد دارد می گوید: «... بانک نداریم، فضای سبز نداریم، مرکز خرید، داروخانه، مطب، حمل و نقل عمومی، امنیت، و هزاران نداریم دیگر باید بگویم تا شاید متوجه شوید که مشکلات و کاستی های محله بسیار زیاد تر از آن چیزی است که مشاهده می کنید... شکر خدا مردم محله تا حدی همدیگر را می شناسند و به یکدیگر اعتماد زیادی دارند، اما متأسفانه محله در تاریکی شدیدی گرفتار شده است. تاریکی هم مرکز فساد می شود... معتادان خیابانی و مواد فروشان از این وضعیت مساعدت و خاموش محله هم به نفع خودشان استفاده کرده اند و هر شب و روز با لشکر کشی و قشون کشی، به مساحه زمین های خالی، باغات خشک و ... مشکلاتی را برای مردم ایجاد کرده و هر دفعه یک مکان امن و جدید برای خودشان دست و پا می کنند... جوانان به خاطر نداشتن شغل یا تفریح اسیر دوستان ناباب می شوند و در نهایت به تور مواد فروشان می افتند... کارتن خواب ها هم که هر روز صبح خمار و بدون سر پناه، از گوشه و کنار محله به چشم می آیند که مشخص است تمام شب را در گوشه کناری از خیابان به صبح رسانده اند...»

اینکه یک محله در مانگاه شبانه روزی یا حتی یک مطب برای مواقع بحرانی یا اورژانسی نداشته باشد در مناطقی از تهران کاملاً عادی شده است... عادی از این نظر که وقتی به محلات جنوبی پایتخت می روید، مشکل نبود در مانگاه یا داروخانه شبانه روزی وجه مشترک بسیاری از محلات است که البته این معضل از نگاه شهروندان ظلم بزرگی است.

مادر جوانی که کودک ۲ ساله اش را روی کالسکه می برد به فرزندش اشاره می کند که چند هفته پیش بر میضی آنفولانزا گرفته بود... «پسرم حوالي ساعت ۳ نیمه شب، تب شدیدی کرد و بعد هر چه قدر، باشویه کردیم و دارو دادیم، تبش همچنان بالا بود... انقدر بچه ام داغ و بی حال بود، تشنج کرد... حساسی هول کرده بودیم، بعد که به خودم آمدم دیدم انقدر چیغ زده بودم که همسایه ها بالا سرم آمده بودند... با ماشین یکی از همسایه ها به بیمارستان ۱۷ شهریور رفتم... دکتر ها گفتند بچه بعد از تشنج باید در اولین فرصت و فوری به بیمارستان برسد تا مشکلات ذهنی و مغزی پیدا نکنند... از پسرم نوار مغزی گرفتند... یعنی همان شرایط بود که وقتی دیدم بیمارستان یا حتی یک مطب در محله نیست، متوجه شدم که چه بیچارگی بدبختی زیادی داریم... همه درد و مرض ها هم شب ها به سراغمان می آید... حالا بزرگتر ها که تحمل می کنند اما بچه های بیگناه و ناتوان چه تقصیری دارند؟ نمی توانیم به آنها بگوییم که شب بر میض نشوید و تب نکنید... کاش مسئولان فکری کنند... حداقل یک مطب شبانه روزی هم وجود ندارد! اهالی حاضر هستند آزاد و بدون بیمه، پول دوا درمان و ویزیت به بند ما شب ها و زمان مر میضی، اسیر کوچه خیابان ها و محلات دیگر نشوند...»



## زمین های خالی «دومنظوره»

# روزها برای بچه ها و شب ها برای معتادان!

مگر زمین ها صاحب ندارند؟ اگر بدون صاحب هستند، خوب زمین که هست... پس مسئولان برای مردم کار کنند، اگر زمین ها صاحب دارند که خریداری کنند... بهتر از این است که هم ظاهر محله مثل روستا شده باشد و هم امکاناتی برای زندگی وجود نداشته باشد... پارک ها هم که از هر جهت باز هستند و اصلانی شود به آنها پارک گفت... شاید اهالی تنها سیزده به درها، آن هم از روی آگراه و ناچاری به پارک بروند... در واقع آنطور که پیدا است، پارک ها برای مردم ساخته نشده اند... برای کارتن خواب ها و معتادان است... آنچنان آنجا بساط پهن می کنند و چادر می زنند که انگار مالک تمام و کمال آنجا هستند...»

بررسی وضعیت بهداشتی و سلامت مردمی که در نزدیکی بسیاری از معضلات زیست محیطی هستند و در این هوا تنفس می کنند، از اهمیت بسیاری زیادی برخوردار است... وجود زمین های خالی در محله یکی از نقاط امید شهر و ندان «سعید آباد» است... آنها امیدوار هستند تا روزی از این زمین های خالی بایر برای خدمات رسانی به اهالی استفاده شود... «الان زمین رها شده و متروکه زیادی در محله وجود دارد که روزها زمین بازی بچه ها و شب ها نیز استراحتگاه معتادان و کارتن خواب ها است... یعنی این زمین ها دو منظوره هستند و از آن نهایت استفاده را می برند! جای تأسف است که زمین خالی زیاد باشد اما مردم از حداقل ترین امکانات محروم باشند...»

محله «سعید آباد» به بیان بهتر جدای از آنکه امکانات بهداشتی و درمانی ضعیفی دارد، به گونه ای از این نظر بسیار شکنجه می شود... امکانات بهداشتی ندارند و در برابر معضلات پیشمار زیست محیطی نیز قرار دارند... جاری بودن پسماند کارخانه های همچون شیر پاستوریزه در محله و پسماند فاضلاب دیگری که همه وارد رودخانه «کن» و «آز» آنجا هم به سمت محله جاری می شوند، معضل کمی نیست... حالا اگر آلودگی زیست محیطی کارخانه فاضلاب را هم به آن اضافه کنیم، «نور علی نور» می شود... باین تفاسیر مشکلات آنقدر بحرانی است که حداقل ایجاد یک در مانگاه شبانه روزی کمترین خواسته منطقی و به حق اهالی است... به طور حتم

وجود زمین های بایر در محله یکی از نقاط امید شهروندان «سعید آباد» است... آنها امیدوار هستند تا روزی از این زمین های بایر برای خدمت رسانی به اهالی استفاده شود... «الان زمین رها شده و متروکه زیادی در محله وجود دارد که روزها زمین بازی بچه ها و شب ها نیز استراحتگاه معتادان و کارتن خواب ها است... یعنی این زمین ها دو منظوره هستند و از آن نهایت استفاده را می برند! جای تأسف است که زمین خالی زیاد باشد اما مردم از حداقل ترین امکانات محروم باشند... معضل کمی نیست... حالا اگر آلودگی زیست محیطی کارخانه فاضلاب را هم به آن اضافه کنیم، «نور علی نور» می شود... باین تفاسیر مشکلات آنقدر بحرانی است که حداقل ایجاد یک در مانگاه شبانه روزی کمترین خواسته منطقی و به حق اهالی است... به طور حتم

بانک نداریم، فضای سبز نداریم، مرکز خرید، داروخانه، مطب، حمل و نقل عمومی، امنیت، و هزاران نداریم دیگر باید بگویم تا شاید متوجه شوید که مشکلات و کاستی های محله بسیار زیاد تر از آن چیزی است که مشاهده می کنید... شکر خدا مردم محله تا حدی همدیگر را می شناسند و به یکدیگر اعتماد زیادی دارند، اما متأسفانه محله در تاریکی شدیدی گرفتار شده است. تاریکی هم مرکز فساد می شود... معتادان خیابانی و مواد فروشان از این وضعیت مساعدت و خاموش محله هم به نفع خودشان استفاده کرده اند و هر شب و روز با لشکر کشی و قشون کشی، به مساحه زمین های خالی، باغات خشک و ... مشکلاتی را برای مردم ایجاد کرده و هر دفعه یک مکان امن و جدید برای خودشان دست و پا می کنند... جوانان به خاطر نداشتن شغل یا تفریح اسیر دوستان ناباب می شوند و در نهایت به تور مواد فروشان می افتند... کارتن خواب ها هم که هر روز صبح خمار و بدون سر پناه، از گوشه و کنار محله به چشم می آیند که مشخص است تمام شب را در گوشه کناری از خیابان به صبح رسانده اند...»



## ۴۵ دقیقه انتظار برای اتوبوس!

برسند... در همین ارتباط، «فتی زاده» دبیر شورایی محله با اشاره به مشکلات حمل و نقل عمومی محله، آنرا با عدم انجام کارهای کارشناسی مرتبط با مسایل ترافیکی از زبانی کرده و می افزاید: در حال حاضر به دلیل بسته بودن برخی از خیابان ها، راننده های اتوبوس از ایستگاه «شادآباد» به مترو، خیابان آذری، نعمت آباد و ... دقیقه ۴۵ هستند و وقت دارند... هر اتوبوس روزانه بالای ۳۰۰ بار در این محدوده در حال تردد هستند و روزانه ۲ ساعت از وقتش تلف شده و برای هر مسافر حدود ۴۵ دقیقه زمان می گذارد... اداره راهنمایی و رانندگی نیز قبل از آنکه مجوزی برای بستن خیابان های پر تردد بدهد، راه های جایگزین را بررسی کرده، سپس مجوز می دهد، اما در این زمینه هیچ مسیر جایگزینی پیش بینی نشده است و وقت و زمان مردم راننده های اتوبوس نیز بی ارزش تلقی شده است... در این زمینه به حمایت و توجه مسئولان نیاز است تا فکری به حال مسایل ترافیکی و عبور و مرور مردم شود.

وارد کوچه های تنگ و باریک که می شویم قرار گرفتن دکل های فرسوده برق تبعیان را بیشتر می کند... «کوچه ها تنها امکان تردد و چرخه و موتور را دارند و حتی ساکنان هم وقتی راه بندان می شود، امکان تردد ندارند و بچه ها هم در خیابان امنیتی برای بازی ندارند، صبر کرده ایم تا آتش سوزی شود... یا زلزله بیاید... آنوقت نه تنها محله با خاک یکسان می شود بلکه حتی ماشین امداد رسان، آمبولانس و آتش نشانی هم نمی توانند وارد عملیات امدارسانی شوند، آنوقت شاید محله از دیوار به تازه ساخته شد... که امیدوار هستیم در این صورت اصولی تر و استاندارد تر اقدام به ساخت و ساز شود و یک کارشناس شهری بالای کار حاضر شود که مردمان و ساکنان جدید با مشکلات فعلی روبرو نشوند... مشکلات محله نشینان سعید آبادی از نظر حمل و نقل عمومی نیز مشکلات خاص خود را دارد، تنها دو خط اتوبوس در ابتدای این محله توقف می کند و مردم برای استفاده از مترو ۴۵ دقیقه طول می کشد تا به تروئی ایستگاه میدان آزادی



دبیر دبیران شورایی منطقه ۱۸ در گفت و گو با «پدیده شهر»:

## همه مصائب منطقه ۱۸!

# آیا مردم جنوب تهران سزاوار تحمیل این همه مشکلات هستند؟

دبیر دبیران شورایی منطقه ۱۸ در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» به صورت کلی به مشکلات منطقه پرداخته و این منطقه را نیازمند توجه بیشتری ارزیابی می کند. «عبد الله لطفی» با اشاره به اولویت های منطقه و مشکلات پیش رو، با اعلام اینکه حریم خط راه آهن تهران - تبریز که قرار بود تبدیل به زیر گذر شود، یکی از مشکلات اصلی محسوب می شود ادامه می دهد: منطقه ۱۸ در مجاورت خط آهن تهران - تبریز و تهران - اهواز قرار دارد که از ابتدا باید به صورت دو منظوره و برای بهره برداری مترو نیز جانمایی می شد که متأسفانه این مهم هنوز محقق نشده است. به همین دلیل حریم راه شده خط آهن تهران - تبریز که در مجاورت محلاتی همچون «اسام خمینی»، «فردوس» و «خلیج شمالی» قرار دارد، به سامان و فضای خوبی برای انواع آسیب های اجتماعی تبدیل شده است؛ بخشی از عملیات زیر گذر سازی این خط نیز در محله «خلیج» انجام نشده و فضای راه شده، یکی از معضلات مهم منطقه است؛ زورگیری، خفت گیری، کشف جسد معتادان و کارت خواب ها، فعالیت ترزیق کنندگان مواد مخدر، در این محدوده، منطقه به تبعه از آن محلات را با معضلات فراوانی روبه رو کرده است.

وی می افزاید: در این ارتباط در صحن شورای شهر سابق تهران، گزارش جامعی ارائه شده و رایزنی هایی نیز با مسئولان مربوطه از جمله مدیر عامل راه آهن صورت گرفته است که گویا این مشکل مردم به دلیل عدم توافق شهرداری با مدیر عامل راه آهن بر سر قیمت گذاری و خرید آن و نیز مطالبات میسر آنها، هنوز بی نتیجه مانده است. در حالیکه حل و رسیدگی به این معضل، بسیار ضروری است و انتظار می رود تا مدیریت شهری جدید، این موضوع را پیگیری کند، چنانچه شوراییاران نیز تا زمان حل این مشکل، همچنان به پیگیری و رایزنی با مسئولان ادامه خواهند داد.

### پروژه های نیمه تمام پاشنه آشیل حل معضلات

دبیر شورایی منطقه ۱۸، معضل دیگر محله را پرونده های نیمه تمام شهرداری دانسته و تأکید می کند: بسیاری از پروژه های نیمه تمام و راه شده های که متولی آن شهرداری تهران است، سبب بسیاری از مشکلات و حتی کل منطقه را با سختی و چالش هایی روبه رو کرده است؛ پروژه ۷۶ «پروجر دی» یکی از همین پروژه های نیمه تمامی است که بعد از گودبرداری، وعده افتتاح آن در ۹۶ به مردم داده شده بود اما هنوز با راه سازی عملیات گودبرداری در این پروژه آسیب های فراوانی به شهروندان محلات «شادآباد»، «هنده شهرپور» و «سعد آباد» وارد کرده است. مجری این پروژه نیز قرارگاه «خاتم الانبیا» است که کار آن به دلیل عدم تعهدتنگی و اعتبار مورد نیاز، زمین مانده و معضل گرد و خاک گودبرداری مردم محله را بدین سبب روبه رو کرده است. از سرگیری عملیات عمرانی این پروژه یکی از مهمترین تقاضای نمایندگان مردم در شورایی منطقه است.

لطفی، دبیر شورایی محله «صاحب الزمان» افزود: تعریض خیابان ۴۵ متری «بهار» نیز که متولی آن شهرداری است، مشکلات مشابهی در مقایسه با پروژه «پروجر دی» ایجاد کرده است و به دلیل نبود اعتبار مورد نیاز و عدم توجه به پروژه های عمرانی، نیمه کاره راه شده است. مشکلات زیر در این دو پروژه نامشمار وجود دارد که ضرورت رسیدگی مسئولان شهری به آنها را بیشتر می سازد.

### کارنامه مردودی منطقه در توزیع سرانه های خدماتی

وی یادآور شد: شاید در منطقه ۱۸ نظر استانداردهای مربوط به سرانه فضای سبز، با مشکلات چندین زبانه رود و نوبت‌بندی فضای سبز تعریف شده کافی به نظر برسد اما: نظر تقسیم سرانه های آموزشی و فرهنگی متناسب با جمعیت، مشکلات و فقر شدید در این زمینه توجه تقسیم این سرانه از کارنامه قابل قبولی برخوردار نبوده و نیازمند رسیدگی و نیازسنجی است.

این فعال اجتماعی در حوزه مسایل شهری، با اشاره به فعالیت غیر قانونی مرکز بازیافت زباله «تقی آباد» که در

محله شهید «جایی» منطقه واقع شده است ادامه داد: در این مرکز حدود ۲۵۰ تن زباله خشک در روز تخلیه می شود و ساخت و سازهای صورت گرفته در این مرکز غیر قانونی در حریم خط راه آهن تهران - اهواز واقع شده که معضلات بسیاری را برای اهالی و منطقه ایجاد کرده است. بخشی از این مرکز در زمان فعالیت دکتر سلیمی، تخریب شد اما بعد از آن با وجود پیگیری های فراوان، مشکلات این محدوده به قوت خود باقی مانده و نگرانی های مسئولان محیط زیست شورای شهر سابق نیز در این ارتباط، به نتیجه ای نرسید.

از ضرورت جداسازی گودبرداری ها تا تعطیلی کارخانه لطفی، در ارتباط با معضل دیگر زیست محیطی محله خاطر نشان می سازد: با وجود آنکه معادن شن و ماسه در محله «خلیج» تعطیل شد و قرار بود به تفریح گاه «تاکا» تبدیل شود اما گودبرداری ۱۲۰ متری به عرض ۷ کیلومتر در این محدوده مشکلات فراوانی را به وجود آورده و ضرورت دارد تا هرچه سریعتر نسبت به جداسازی اقدام شود که در صورت عدم توجه و همجوشی آن با رود «کن» احتمال وقوع سیل و تخریب خانه ها وجود دارد. بدون شک، مسئولان با انجام بازدید میدانی از این محدوده، مشکلات عمرانی محدوده را ضروری و اورژانسی ارزیابی خواهند کرد.

دبیر دبیران شورایی منطقه، ادامه داد: کارخانه اسفالت متعلق به شهرداری تهران، واقع در محله «سعدآباد» نیز که توسط اعضای کمیسیون محیط زیست شورای شهر تهران بازدید شد، ضرورت جابه جایی و انتقال دارد؛ در حال حاضر فازهایی از این کارخانه غیر فعال است و اعلام شده که استاندارد های لازم در آن رعایت می شود اما فعالیت آن در دل بافت مسکونی ضرورت انتقال و تعطیلی کارخانه را بیشتر می کند.

### مشکلات روزافزون مراکز تجاری

وی با اشاره به مشکلات حاصل از بازار آهن «شادآباد» که

منطقه یادآور می شود: فعالیت این بازار در محدوده بافت مسکونی شهروندان، اعتراض و نگرانی مردم را بیشتر کرده و به جرات می توان گفت که راه اندازی این بازار در دل بافت مسکونی، از بزرگترین اشتباهات بوده است.

تخلیه بار آهن، تردد و بارگیری ماشین های سنگین، ترافیک و مشکلات حاشیه ای دیگر، کسبه و اهالی ساکن را دچار سختی های زیادی کرده که سالهای سال در حال دست و پنجه نرم کردن با آنها هستند.

تصام محدوده خیابان، کوچک و محله از آهن و سایر ابزار آلات دیو و دخیره شده و ظاهر محله را با بی نظمی و زشتی روبه رو کرده است. در عین حال فضای تجاری این محدوده با بازار آهن در حال گسترش بوده و پاساژ دیگری برای عرضه ابزار آلات، اتصالات ساختمانی، براق آلات و... در حال راه اندازی است که به طور حتم میزان مشکلات و حجم ترافیک در این محدوده را بیشتر خواهد کرد.

این فعال اجتماعی در پاسخ به این سوال که وضعیت محله را از نظر بافت مسکونی چه طور ارزیابی می کنید اعلام کرد: در منطقه ۱۸ و در برخی از محلات که تعدادشان نیز کم نیست، با توجه به قدمت و عدم کنترل ساخت و سازهای غیر قانونی و وسوسه مجوس، بافت های ایجاد شده است که به دلیل غیر اصولی بودن، خطرات زیادی را متوجه ساکنان خواهد کرد. با این وجود خانواده های زیادی در این محدوده ساکن شده و توان نوسازی ندارند.

### طرح تفصیلی منطقه ۱۸ ناقص است!

وی در ادامه با اشاره به طرح تفصیلی شهر تهران و ضرورت بازنگری در آن ادامه می دهد: در این طرح جامع و ابلاغ شده حدود ۴۵ درصد از منطقه باید به فضای سبز مجهز شود که همین موضوع باعث عدم توجه و رغبت سرمایه گذاران نسبت به منطقه شده و پایین بودن نرخ زمین در منطقه نیز در مقایسه با مناطق دیگر، به این معضل دامن زده است؛ به همین دلیل ضرورت اصلاح و بازنگری طرح تفصیلی و پیش بینی نیازهای ضروری منطقه در این طرح بسیار ضروری است.

لطفی عدم تجهیز منطقه به یک پارکینگ طبقاتی را مشکل ساز دانسته و تأکید کرد: متأسفانه همجوار بودن منطقه با منطقه ۱۷ و محدوده بازار میل «بافت آباد» و بازار آهن، باعث شده تا بافت های مسکونی به صنایع چوب و رویه کوبی میل تبدیل شده و اهمیت تجهیز منطقه به یک پارکینگ طبقاتی را بیشتر می سازد. مردم ساکن در محدوده بازار آهن و میل به اندازه کافی به دلیل نزدیکی به این مراکز دچار چالش شده اند و احداث یک پارکینگ مجهز طبقاتی می تواند به میزان کمی، مشکلات را مرتفع و کم رنگ کند.

### ورود شهر دار سابق به حوزه های بی ربط!

وی در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه تغییر مدیریت شهری و شورای شهر تهران می تواند شهر را با چه چالش هایی روبه رو کند و ارزیابی تان از عملکرد شهردار سابق تهران چیست، تصریح می کند: مدیر سابق شهر تهران، مجموعه مدیریتی و معاونان ایشان اتفاقات خوب و عام المنفعه ای را برای مردم و شهر رقم زدند که جای تامل و تحسین دارد، اما ایشان در بخش هایی از شهر وارد شده و وظایفی را انجام دادند که در حیطه اختیارات شهرداری نبود مثلاً رسیدگی به آسیب های اجتماعی از جمله مسایل معتادان، معضلاتی که در حیطه وظایف و مسئولیت های بهیستی بوده و سایر حوزه ها، نه تنها شهرداری، بلکه سازمان های دیگر را با بی نظمی و موازی کاری روبه رو کرد.

چنانچه «تقی» شهردار جدید تهران نیز اشاره کردند که در دوره قبل از میان ۳۵۰ مسکونیت تعریف شده برای شهردار، تنها ۶۵ مورد از آن در حوزه وظایف شهردار بوده است.

### راه سازی «تنها اقدام موفق برای کاهش فاصله شمال و جنوب»

دبیر شورایی محله «صاحب الزمان» همچنین در پاسخ



به اینکه آیا مدیریت شهری گذشته در کاهش فاصله جنوب تهران با شمال پایتخت کارنامه قابل قبولی داشته اضافه می کند: شهردار سابق با احداث بزرگراه ها، اتوبان، فرهنگسراها و فعالیت های مربوط به پیگیری مطالبات مردم نمره خوبی را به دست آورد اما با توجه به شرایط امروز شهر و مباحث مالی، مجموعه ایشان تناسبی در امکانات موجود میان شمال و جنوب تهران ایجاد نکرد. «لطفی» در توضیح بیشتر ادامه می دهد: با یک بررسی اجمالی در مناطق شمالی و جنوبی تهران به خصوص از مناطق ۱۶ تا ۲۰، تفاوت سطح خدمات و امکانات را لمس خواهید کرد. این تفاوت در ارائه خدمات و توجه در تمام زمینه ها به چشم می خورد. نحوه انتصاب و توانمندی شهرداران مناطق بالای تهران با توانمندی شهرداران مناطق جنوبی بسیار تفاوت وجود دارد، در واقع مدیران توانمندی که در مناطق جنوب تهران برگزیده می شوند از نظر توانمندی و تخصص بسیار با مدیران مناطق شمال تهران تفاوت دارند.

پروژه ها به اجرا آمده یا نیمه تمام هر یک از مناطق و پرونده های عملیات عمرانی نشان می دهد که تفاوت ها بسیار چشم گیر بوده و به عنوان نمونه جای بحث دارد که اگر پروژه مشکل ساز و نیمه کاره مانده «پروجر دی» و بازار پرندگان با آهن در یکی از مناطق شمالی تهران وجود داشت، مردم این منطقه اجازه و فرصت این همه تعلل و اتلاف زمان را می دادند! آیا مردم جنوب تهران سزاوار تحمیل این همه مشکلات هستند؟ اگر فاصله شمال و جنوب شهر تهران از دیدگاه راه سازی مورد ارزیابی قرار گیرد می توان گفت که این فاصله از این منظر کاهش نداشته اما متأسفانه این فاصله به معنای واقعی و از نظر امکانات و سرانه های خدماتی، بسیار زیاد بوده و به همان میزان که برای ساخت و ساز و آبادانی مناطق شمالی اقدام شده است، توجهی به مناطق جنوبی و معضلات آنها نشده است. شهردار است که به شناخت بیشتر این ظرفیت نیز کمک شایانی خواهد کرد.



دکتر «مجید فراهانی» عضو شورای شهر در ایستگاه منطقه ۱۵

# محروم گردی!

از بازدید محلات محروم «مسگر آباد»، «اتابک» و «رضویه» تا همت برای تحقق پروژه های نیمه تمام!



این روزها با وجود آنکه هنوز تنوع فعالیت اعضای جدید شورای شهر تهران داغ نشده و چرخ فعالیت های اعضا نچرخیده است، رئیس کمیته بودجه و نظارت شورای شهر تهران، چند هفته ای است که برای آشنایی هر چه بیشتر با معضلات محلات محروم تهران، فعالیت و بازدید های میدانی گسترده ای را آغاز کرده است... اگر گذر یا نیم نگاهی به آرشیاو اخبار شورای شهر تهران داشته باشید، متوجه خواهید شد که این اقدام در اولین نطق پیش از دستور «مجید فراهانی» نیز رسانه ای شده و توجه به تمام محلات و تفاوت نداشتن آنها با یکدیگر از جمله شعارهای وی بوده است: حالا با بررسی میدانی و توجه ویژه به این محلات، عبارت «شعار» چندان جایگاهی نداشته و به جرات می توان گفت که «۵۰ درصد از وعده این عضو شورای شهر به معنای واقعی محقق شده است... بدون شک، تحقق عملی وعده ها در گروی توجه ویژه تک تک کرسی نشینان شورای شهر و مصوبات مربوطه یا تزییق بودجه بستگی خواهد داشت. فراهانی تا امروز از مناطق ۱۸ و ۱۹ بازدید کرده است.



## شورایاران محلات همچنان شورای شهر را یاری کنند

وی که عزمی جدی در بررسی دقیق مشکلات محله را داشته، معضلات دایمی برخی از محلات منطقه ۱۵ از جمله ترافیک همیشگی برخی از محلات از جمله میدان «پسیج»، مشکلات حاشیه نشینی، دستفروشی، مسایل مربوط به وجود مراکز نظامی در دل بافت مسکونی، قبرستان های واقع شده در منطقه، مسایل حاشیه نشینی و... را مورد بررسی قرار داده و از پروژه های نیمه تمام منطقه همچون «مسگر آباد» و «اتابک» که بیشترین حجم بافت فرسوده را به خود اختصاص داده اند، نیز بازدید کرده و بر ضرورت توجه بیشتر به این محلات تاکید کرد. این عضو فعال شورای شهر تهران با دلجویی از اعضای شورایاری و نمایندگان محلی منطقه ۱۵، که از عدم توجه شورای جدید تهران به شورایاران نگرانی هایی داشتند، آنها را پتانسیل و ظرفیت موثری برای شناسایی مسایل و مشکلات محلات دانسته و این قول مساعد داد که از ظرفیت این نخبگان آئین بر ای تصمیم گیری در امور مهم شهر بهره مند شود.

## تصمیم قاطع برای گرگشایی!

رئیس کمیته بودجه و نظارت شورای شهر تهران که مصمم است پیرو اهدافش، تمام محلات محروم را مورد ارزیابی و بررسی میدانی قرار دهد، هفته پیش به محلات محروم منطقه ۱۵ شهر تهران رفته و از نزدیک با شورایاران و متمدان این منطقه گپ و گفتی داشته است... ملاقات مردمی این عضو شورای شهر حکایت از یک تصمیم قاطع برای آشنایی با معضلات و تبع آن گرگشایی از مشکلات عذبده مردمی را دارد.

«مجید فراهانی» در این بازدید بر اهمیت این منطقه که چالش های بیشماری را در خود دارد تاکید کرده است: «این منطقه تنها ۱۴ درصد از بودجه عمرانی را با داشتن جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ هزار نفر، شهرک های آقماری متعددی را در بطن خود شکل داده و بستری برای رشد و افزایش آسیب های اجتماعی شده است...»

## لزوم توجه به مصوبه شهر دوستدار کودک

در حالیکه فعالیت رسانه ای این عضو شورای شهر در فضاهای مجازی نیز به چشم می خورد، این حضور در کالاهای و صفحات مجازی به نفع مردم محلات جنوبی یا نخت بوده و هر از چندگاهی موضوع با سوزهای را برای اهالی رسانه مطرح می کند. خبر دلجویی وی از خانواده دافدار یک کودک تهرانی که از قربانیان بازی در یکی از بوستان های منطقه ۱۵ در سال گذشته بوده، به سرعت در دست چرخید و منتشر شد... انتشار این خبر پنهان بود تا این عضو شورای شهر از بوستان «کوهسار» بازدید کرده و وضعیت ایمنی پارک را مورد بررسی قرار دهد. او در توییت و صفحه اینستاگرامی اش خواستار تحقق مصوبه فراموش شده شورای شهر تهران در ارتباط با «شهر دوستدار کودک» شده و قول داده تا در این ارتباط پیگیری های لازم را اعمال کند... مسئولیت و تعهد در برابر زندگی نسل آینده از پررنگ ترین اهداف وی در این صفحات محسوب می شود که حضور میدانی و موثر وی در محلات محروم می، می تواند نویدبخش اخباری خوب در آینده باشد.

## کاهش فاصله شمال و جنوب شعاری بدون عمل بود!

وی که بر ضرورت تحقق شعار کاهش فاصله میان شمال و جنوب تهران تاکید فراوانی دارد ادامه داده است: «این منطقه تنها ۱۴ درصد از بودجه عمرانی را به خود اختصاص داده است؛ در حالیکه بیشترین میزان بافت فرسوده در این منطقه خود نمایی کرده و خطر زلزله و ویرانی در آن به مراتب بیشتر است...»

فراهانی که از منتقدان سرسخت شعارهای ظاهری کاهش فاصله شمال و جنوب یا نخت بوده و در تریبون یا قضااهای مجازی دیگر در این ارتباط انتقاداتی را مطرح کرده است نیز در جمع اهالی منطقه ۱۵ شورایاران اعلام کرده که «... «زیر ساختهای بزرگراه «امام علی» در این منطقه گواهی آن است که هر اهل تکمیلی این پروژه از انتهای شهرک مشیریه از سال ۹۲ به بعد رها شده و تنها به تکمیل شدن این منطقه علی رقم وجود شعارهای کاهش فاصله شمال و جنوب دارد که باید جبران شود.»

## استقبال گسترده شهروندان تهرانی و مسئولین از غرفه «پدیده شهر» در نمایشگاه مطبوعات



حضور دکتر نوبخت معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه بودجه



حضور آقای محسن هاشمی رفسنجانی رئیس شورای شهر تهران



حضور آقای سالاری عضو شورای شهر تهران



حضور آقای دکتر سلیمی شهردار منطقه ۳ شهر تهران



حضور آقای دکتر اعطا عضو و سخنگوی شورای شهر تهران



حضور سرکار خانم امانی عضو شورای شهر تهران



حضور آقای دکتر شجاع بوریان عضو شورای شهر تهران دوره چهارم



حضور خانم دکتر فخاری عضو شورای شهر تهران



حضور دکتر جواد انصاری سفیر ایران در کشور سنگاپور



حضور دکتر حناچی معاون عمرانی شهرداری تهران



حضور آقای فراهانی عضو شورای شهر تهران



حضور آقای محسنی شهردار منطقه ۱۲ شهر تهران



حضور آقای مهندس ایلیات عضو شورای شهر کرج



حضور خانم دکتر نژادبهرام عضو شورای شهر تهران



حضور آقای نظری عضو شورای شهر تهران



حضور آقای خلیلی عضو شورای شهر کرج



حضور آقای دکتر زارع عضو شورای شهر کرج

مدیر هنری: گلنوش مریخی  
 دبیر تحریریه: سمیه جاهد عطایان  
 چاپ: سلام  
 توزیع: صمت

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیمین سالاری اسکر  
 نظارت: شورای سردبیری  
 مدیر اجرایی: عیاد... سالاری

**جایزه**  
**۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی**  
 در هر قرعه کشی

**بانک سرمایه**

**۱۲ سال**  
**با سرمایه**

**در جشنواره**

**دوجین**

**تاریخ قرعه کشی: دوازدهم هر ماه**

**برای شرکت در این جشنواره لزوماً نباید مشتری بانک سرمایه باشید، تمام ایرانیان به این جشنواره دعوت اند**

## جشنواره دوجین بانک سرمایه؛ ۷۲ برنده خوش شانس در هر ماه

دارندگان کارت های هدیه خرید و فروش سهام در شعب ارائه دهنده خدمات کارگزاری

تراکنش در بانکداری الکترونیک

افتتاح حساب

ازدواج تولد

ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی) تمامی هم وطنانی که از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی ازدواج کرده اند (بدون محدودیت سال)  
 ۶. تمامی هم وطنانی که تاریخ تولد آنها از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی باشد (بدون محدودیت سال)  
 شایان ذکر است هریک از موضوعات قرعه کشی ۱۲ برنده خواهد داشت که در هر ماه مجموعاً ۷۲ نفر، برنده خوش شانس این قرعه کشی خواهند بود. گفتمی است به هریک از برندگان قرعه کشی یک قطعه کارت هدیه ۵ میلیون ریالی اهدا خواهد شد. لازم به ذکر است هم وطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه برای شرکت در قرعه کشی می بایست در صفحه مربوطه در وبسایت این بانک نسبت به ثبت مشخصات خود (نام، نام خانوادگی، نام استان، نام شهر، شماره ملی و شماره موبایل) اقدام نمایند. در صورت برنده شدن در قرعه کشی، برای دریافت جایزه خود به همراه اصل کارت هدیه برنده شده به شعبه مربوطه مراجعه نمایند. همچنین هم وطنان علاقه مند به شرکت در بندهای ۵ و ۶ قرعه کشی

بانک سرمایه در ماه های منتهی به دوازدهمین سالگرد تاسیس خود تادی ماه سال جاری، جشنواره «دوجین» را با قرعه کشی ها و جوایز متعدد برگزار می کند. قرعه کشی این جشنواره به صورت ماهانه بوده و از مهرماه سال جاری آغاز و تادی ماه ادامه خواهد داشت. شایان ذکر است قرعه کشی در دوازدهم هرماه در شش موضوع به شرح ذیل برگزار خواهد شد:  
 ۱. تمامی هم وطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه (کارت های هدیه صادر شده در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)  
 ۲. تراکنش مشتریان بانک سرمایه در سیستم بانکداری الکترونیک این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)  
 ۳. خرید و فروش سهام توسط مشتریان بانک سرمایه در شعب ارائه دهنده خدمات کارگزاری بازار سرمایه این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)  
 ۴. افتتاح حساب مشتریان بانک سرمایه (در بازه زمانی دوازدهم

کسب اطلاعات بیشتر  
 @sarmayebank  
 sarmayebank  
 www.sbank.ir  
 ۴۳۷۳  
 سمدای سرمایه